



په نامه‌ها و کتابها

در شناخت جلوه‌های قداست

○ فهمیه غنی نژاد



رساله در تاریخ ادیان
میرچالایاده
ترجمه جلال ستاری
○ سروش، چاپ دوم، ۱۳۷۶

خورشید؛ و سپس تجلیات قداست در پرستشگاهها و مکان‌های مقدس؛ و بعد، اسطوره‌ها و رمزشا مورد بحث قرار گرفته‌اند. اما به دلیل ماهیت درهم، سیال، لغزان، منعطف و شکل پذیر پدیده‌های مورد بحث، در این طبقه‌بندی، موضوعات به هیچ وجه آنچنان مرزبندی شده و منفک از یکدیگر نیستند که مثلاً در بخش مربوط به «مرزپردازی‌های آب» از بسیاری آیین‌ها و رمزهای دیگر، و یا اسطوره‌هایی چون آفرودیت و الهه آتنا سخن نرود. رساله در تاریخ ادیان، آگاهانه، و بی‌آنکه بخواهد کتابی صرفاً تاریخی در این زمینه، و متکی بر خطی زمانی باشد، در کلیت خود، سیر تفکر انسان تاریخی را در عرصه‌ای بس فراخ می‌نمایاند؛ و با پرهیز از شیوه «ساده و بسیط تا مرکب» یعنی آغاز کردن از ابتدایی‌ترین جلوه‌های قداست و گذار از روند تاریخی آن تا نقطه پرستش خدای یگانه، به دلیل غیرقابل اثبات بودن این فرآیند؛ به ابعاد و واقعیت‌های مذهبی و چیستی و چونی آنها نزدیک می‌شود.

قداست، که در تقابل با پدیده‌های دنیوی، خود را معنا می‌کند، با گرایش دیالکتیکی، رو به تحدید آن پدیده‌ها و گسترش خویش دارد. بازتاب این تحدید و گسترش، در برخی از ادیان، به شکل اضمحلال فرجامین امور دنیوی و برقراری کامل نظامی مینوی، به چشم می‌خورد؛ اما، هست مواردی که حتی دیانت نیز بشر را از غرقه شدن در عمق قداست و بویژه جاذبه‌های عرفانی آن بر حذر می‌دارد و با تلاشی حیات ارزنده تاریخی انسان به عنوان موجودی اجتماعی و تاریخساز، مخالفت می‌ورزد. الیاده، نسبت به مناسبات و رابطه میان «تاریخ» و «مذهب» نگاهی ژرف و واقعگرا و هوشمندانه دارد؛ «اگر اساسی‌ترین موضع‌گیری‌های مذهبی، به مجرد آنکه آدمی به موقعیت هستی و وجود خویش در عالم و قوف یافت، بالقطع والیقین، بروی الزام شده است، معنای این سخن این نیست که تاریخ، در تجربه مذهبی، بالذات، هیچ تأثیری ندارد. برعکس، چون هرچه در حیات انسان، حتی در حیات مادّیش، پیش می‌آید، در تجربه مذهبی طنین می‌افکند. کشف فنون شکار و برزیگری و فلزات و غیره، تنها نوع زندگی مادی انسان را تغییر نداده است، بلکه علاوه بر آن (و شاید به میزانی کلان‌تر) معنویتش را بارور و سرشار کرده است... گفتن ندارد که تحول، همچنین، ممکن است صورتی معکوس به خود گیرد، چنانکه تحقق بسیاری از تجارب مذهبی اصیل جوامع ابتدایی، بر اثر تغییراتی که آن جوامع در طول تاریخ یافته‌اند، بیش از پیش، دشوار شده است. و در بعضی موارد، بی‌مانع و اغراق، حقیقتاً می‌توان از فاجعه‌ای معنوی سخن گفت (مثلاً ادغام جوامع کهن در مدار اقتصادی جوامع استعمارگر نیمه صنعتی و غیره)».

صفحة ۴۳۳

دانشمند نامدار، ژرژ دومزیل،^۱ در مقدمه روشنگرانه‌ای که بر رساله در تاریخ ادیان نوشته، بر این اندیشه تأکید ورزیده است که هر مذهب، با نظام و سازوکاری مختص به خویش، و با اندیشه‌ای شکل گرفته، که با تک تک و یا توده متعلقات ریز خود تفاوت دارد، تفسیری از هستی ارائه می‌دهد. وی

میرچالایاده،^۱ اسطوره‌شناس شهیر و پژوهنده دانشمند تاریخ ادیان در سال ۱۹۰۷ میلادی در بخارست به دنیا آمد. وی که در قلمروهای قوم‌شناسی و هندشناسی نیز صاحب‌نظر است، چهار سال از عمر پربار خویش را در هند، صرف مطالعه فلسفه و ادیان و فرهنگ آن دیار، بویژه یوگا، و زبان سنسکریت کرد و پس از آن، رساله دکترایش را درباره یوگا، در رومانی به‌انجام رسانید. او که سال‌ها در دانشگاه‌های بخارست و اغلب کشورهای اروپایی از جمله دانشگاه سوربن به تدریس اشتغال داشت، از سال ۱۹۵۷ استاد تاریخ ادیان دانشگاه شیکاگو شد. الیاده، گذشته از کتاب‌های ارزشمند، مقالات بسیاری در زمینه تاریخ و تطبیق ادیان و فولکلور و همچنین تعدادی داستان در خور تأمل نوشته است. از آثار مهم و قابل توجه او می‌توان به: «اسطوره بازگشت ابدی»؛ «قدسی و دنیوی»؛ «نگاره‌های دین تطبیقی»؛ «اسطوره، رویاها و رازها»؛ تاریخ مفاهیم دینی^۲ و چشم‌انداز اسطوره^۳ اشاره داشت. اما کار سترگ وی ویراستاری دایرةالمعارف دین^۴ و نظارت بر تألیف و تدوین این اثر گرانقدر شانزده جلدی است که در سال ۱۹۸۷ با ۲۷۵۰ مقاله اصلی به زبان انگلیسی انتشار یافته است و بالغ بر ۱۴۰۰ تن از دین‌شناسان و محققان ادیان گوناگون از پنجاه کشور جهان، و از حوزه‌های دینی متفاوت، با آن همکاری داشته‌اند. این اندیشمند و عالم بزرگ رومانیایی، در سال ۱۹۸۶ میلادی پس از تکمیل تدوین این دایرةالمعارف، و درست یک ماه بعد از نوشتن پیشگفتاری بر آن، درگذشت.^۵

میرچالایاده براساس اعتقاد به پدیده ساز بودن مقیاس؛ و نیز اینکه مذهبی بودن پدیده‌های مذهبی، تنها، زمانی که با مقیاس‌های مذهبی بررسی شوند، قابل درک و پذیرش می‌شوند؛ دست به تألیف کتاب بارززش رساله در تاریخ ادیان در این زمینه زده است. او با وجود قائل بودن به این اصل، که مذهب، پدیده‌ای انتزاعی نیست بلکه امری انسانی است و مرتبط با امور فرهنگی، اجتماعی، زبان‌شناختی، اقتصادی و... انسان‌ها؛ و اینکه انسان به طور کلی خارج از این امور و نیز شرایط زمانی و مکانی خویش، قابل تصور و مطالعه نیست؛ تبیین اعتقادات مذهبی را به کمک و وسیله این امور، بسیار بیهوده و بی‌نتیجه می‌داند. زیرا معتقد است مذهب، با جوهر تأویل ناشدنی و تقلیل‌ناپذیری که دارد، و با ترکیب فشرده و چندوجهی و در هم تنیده و سیال از باورهایی تأثیرپذیر از یکدیگر و تأثیرگذار بر یکدیگر، که همه گوشه و کناره‌هایش را اسطوره و آیین، خدا و شیطان، تابو و توتهم، رمز و اشاره و... پر کرده است، به هزارتویی درهم مانند است که دست آوردهای علمی بشر در پیچ و خم‌های آن به گمراهی می‌رسند. رساله در تاریخ ادیان، چيستی مذهب را از طریق بررسی گسترده صورت‌ها، تجسم‌ها و تجلیات دنیای قداست و دیانت نشان می‌دهد. در این بررسی، ابتدا برخی جلوه‌های قداست در مراتب و سطوح گوناگون گیتی، چونان آب و آسمان و سنگ و زمین شرح شده‌اند تا شرح آنها دیالکتیک و نیز ساختارهای ظرف قداست را روشن کند؛ و پس از آن، تجلیات زیست شناختی قداست مانند منازل ماه و



میرچالیاده براساس اعتقاد به پدیده ساز بودن مقیاس؛ و نیز اینکه مذهبی بودن پدیده‌های مذهبی، تنها زمانی که با مقیاس‌های مذهبی بررسی شوند، قابل درک و پذیرش می‌شوند؛ دست به تألیف کتاب با ارزش رساله در تاریخ ادیان در این زمینه زده است. او معتقد است مذهب، با جوهر تأویل ناشدنی و تقلیل‌ناپذیری که دارد، و با ترکیب فشرده و چند وجهی و در هم تنیده و سیال از باورهایی تأثیرپذیر از یکدیگر و تأثیرگذار بر یکدیگر، به هزار توی درهم مانند است که دست آوردهای علمی بشر در پیچ و خم‌های آن به گمراهی می‌رسند.

قداست خورشیدی به صورتی یکجانبه و سهل‌انگانه، به زیاده‌روی‌های آن فرق از زهاد هندی می‌انجامد که افرادش آنقدر به خورشید خیره می‌شوند تا کاملاً نابینا گردند^{۱۳}. این دو که در ایران باستان نیز از تجلیات بارز قداست بوده‌اند، هنوز هم در حافظه اعتقادی و آیینی مردم سرزمین مان، به اشکال گوناگون، خود را می‌نمایانند. شاید که در روشن کردن شمع و چراغ در مراسم نوروزی امروزه، بتوان نشان از بزرگداشت خورشید در روزگاران بسیار دور یافت.^{۱۴}

ترجمه فارسی رساله در تاریخ ادیان که خواننده را از نقاط نسبتاً پیچیده هم بدون گرفتاری می‌گذراند، با زیرنویس‌ها و همچنین کتابشناسیهای مفیدی که در پایان هر فصل آمده، کتاب خوبی برای مطالعه در این زمینه است؛ اما نداشتن فهرست راهنما و واژه‌نامه، موارد استفاده از آن را بسیار محدود کرده است.

پی نوشت‌ها:

۱. Mircea Eliade
۲. The Myth of the Eternal Return. اسطوره بازگشت جاودانه مقدمه بر فلسفه‌ای از تاریخ. ترجمه بهمن سرکاراتی. تبریز: نیما، ۱۳۶۵.
۳. The Sacred and the Profane
۴. Patterns in Comparative Religion
۵. Myth, Dreams, and Mysteries
۶. History of Religious Ideas
۷. چشم‌انداز اسطوره. ترجمه جلال ستاری. تهران: توس، ۱۳۶۲.
۸. The Encyclopedia of Religion, Mircea Eliade, editor in chief, New York, Macmillan Publishing Co: London, Collier Macmillan Publishers, 1987, 16 Vols.
۹. با استفاده از مقاله بسیار مفید و موجز: خرمشاهی، بهاء‌الدین. «دایرةالمعارف دین». فرهنگ، کتاب دوم و سوم (بهار و پاییز ۱۳۶۷)، صص ۶۰۷-۶۱۸.
۱۰. Georges Dumezil
۱۱. exotique
۱۲. Monique de Beaucois
۱۳. دوبوکور، مونیک. رمزهای زنده جان. ترجمه جلال ستاری. چاپ دوم. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۶، ص ۹.
۱۴. رساله در تاریخ ادیان، ص ۱۵۱.
۱۵. نگاه کنیده مقاله: باجلان فرخی، محمدحسین. «اسطوره‌های خورشید و ماه». کتاب جمعه سال اول، شماره ۱، مرداد ماه ۱۳۵۸، صص ۱۱۰-۱۱۳.

در مورد مذاهب کهنی که مدت‌های مدید از ظهورشان گذشته و در این فاصله زمانی، مطالعات چندانی رویشان صورت نگرفته است، کار را بسیار دشوار می‌داند؛ چه، بی‌خبری از پیشینه دقیق تاریخیشان - بویژه اگر غریب‌نما^{۱۵} و از بافتی پیچیده برخوردار باشند - قدرت هرگونه تبیین و قضاوت را سلب می‌نماید. او در این موارد، برای به دست آوردن نتایجی احتمالی، روش‌هایی را بر می‌شمارد که براساس یکی از آنها، در وهله نخست می‌بایستی از بسیاری اطلاعات به جا مانده از گذشته که فاقد اسناد و مدارک و استدلال‌هایی قابل اتکا هستند، چشم‌پوشی کرد و نادیده‌شان گرفت؛ و پس از آن، وارد مرحله‌ای شد که عبارت از اطالة تاریخ است، به صورتی عینی و به مدت چندین قرن و با استفاده از روش‌های تطبیق و قیاس و استقراء و نیز دوری‌گزیدن از هر نظر و غرض شخصی. تقدیس، که نشانگر تمایل درونی انسان به زندگی ارزشی است، مراسم و آیین‌هایی را دارد که انجام آنها، زندگی اینجهانی را به حیات قدسی نزدیک می‌کند. در این اعمال آیینی، هر حرکت عادی می‌تواند نیایشی مذهبی باشد و هر جسم مادی، جلوه‌ای روحانی. شناخت این اجسام، و جلوه‌های معنایی آنها، رساله در تاریخ ادیان را موضوع بخشیده و مشحون از خدایان، اساطیر، رمزها، آیین‌ها، روایات و... ساخته است تا چراغی باشد که در پرتو آن، اشتیاق نهانی و نهایی به معنا، و نیز بیم جاودانی از نیروهای قوی‌تر، در آدمی، تجلیات پراکنده خود را برای رسیدن به درخششی یگانه و بی‌زوال بنمایانند. درخششی یگانه و بی‌زوال، که همانا «حق» است و مظهر تمامی آرمان‌های آدمیان هر زمان و مکان؛ و می‌تواند با هر واژه شایسته دیگری هم خوانده شود. در این کتاب، از خورشید و ماه و کیش‌های مربوط به آنها، سخن گفته شده است و رمزپردازی‌های آسمان و زمین، سنگ و آب و گیاه، زن و زاینده‌گی و مقولاتی از این دست، که با گوهرهای چند وجهی خود، مذاهب را غنا و قوت بخشیده‌اند، باز شکافته شده‌اند. بد نیست در اینجا تصویر کوچکی از درخت در باستانی‌ترین شکلش را که یکی از تجلیات قداست است، از نگاه میرچالیاده و مونیک دوبوکور^{۱۶} ببینیم:

«در اساطیر و افسانه‌های مربوط به درخت زندگی، غالباً به این تصور مکتون و ضمنی برخورداریم که (می‌گوید) درخت زندگی در مرکز عالم واقع است، و آسمان و زمین و جهان زیرین (دوزخ) را به هم می‌پیوندد». صفحه ۲۸۵ کتاب

«درخت کیهان که ستون و رکن کیهان است و زمین را به آسمان می‌پیوندد و گواه بر حسرت و دل‌تنگی دورافتادگی از روزگاری است که زمین و آسمان نخست سخت به هم نزدیک بودند، وسیله دست یافتن به طاق آسمان و دیدار خدایان و گفتگو با آنانست^{۱۷}».

نیز چنینند ماه و خورشید، که در بسیاری از جوامع و نزد اقوامی بسیار، پیشینه‌ای بغایت مقدس و کهن دارند و «... برتری تجلیات



کتاب آرد